

جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی

• ابراهیم بوچانی

■ جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی
■ نویسنده: دکتر حسین شکویی
■ ناشر: آستان قدس رضوی، چاپ چهارم



کتاب جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی از معدود آثار جغرافیای کاربردی در ایران به قلم استاد فقید محمدحسین شکویی است. با اینکه استاد در دوران حیات علمی خود کمتر به طور جدی درگیر کارهای مدیریتی و اجرایی و عملی شد، ولی این اثر نشان می‌دهد که استاد بر کاربردی کردن دانش جغرافیا و ارتقاء توانایی عملی دانش‌آموختگان جغرافیا در کنار دیدگاه‌ها و نظریات و مباحث تئوریک اعتقاد عمیق داشت.

چنانچه در مقدمه کتاب بیان می‌کند «تفکرات جغرافیای کاربردی، با تفکر منطقی و برهانی همراه بوده است، از این رو جغرافیای کاربردی در فضای زندگی همواره در حل مسائل مکانی به گذرگاه‌های تازه‌ای دست یافته و به دانش جغرافیا ابعاد جدید بخشیده است.»

از نگاه دکتر شکویی جغرافیای کاربردی دانشی میان رشته‌ای است و متفکران این دانش به طور جدی بر مکتب‌های جغرافیایی تأکید دارند، چرا که جغرافیای کاربردی، جغرافیای اندیشه‌ها، فکرها و ایدئولوژی‌های زمان ماست و شناخت این اندیشه‌ها اولین گام در جغرافیای کاربردی است.

کتاب جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی در پنج فصل تألیف شده است. فصل اول به سابقه کار در جغرافیای کاربردی اختصاص یافته است، در این فصل مباحثی همچون جغرافیای کاربردی و مؤسسات جغرافیایی، جغرافیای کاربردی و امپریالیسم، جغرافیای کاربردی و میلیتاریسم، جغرافیای کاربردی و توسعه امپراطوری‌ها، جغرافیای کاربردی و بهره‌کشی‌های اقتصادی و جغرافیای کاربردی و تبعیضات نژادی، مورد بحث قرار می‌گیرد. این مباحث نشان می‌دهد که ابتدای جغرافیای کاربردی در خدمت گسترش استعمار و ایده‌های بهره‌کشی استعماری بوده است و شروع به خدمت‌گیری جغرافیای کاربردی

از دوره باستان، که علوم از هم به طور جدی تفکیک نشده بودند، جغرافیدانانی همچون استرابو بر کاربردی بودن و کاربردی کردن این دانش تأکید داشتند، هر چند در شرایط کنونی با توجه به دلایلی از جمله عدم آموزش شیوه‌های کاربردی و عملی علم جغرافیا به خصوص در دانشگاه‌های کشورهای جهان سوم و کم‌کاری و گوشه‌گیری فارغ‌التحصیلان این رشته، کمتر از این دانش در پاسخ به نیازهای علمی سخن به میان می‌آید، ولی واقعیت این است که با آموزش علمی تفکرات و روش‌های جغرافیایی، می‌توان در بهبود محیط‌زیست، فضاها و سکونت‌گاه‌های انسانی «شهری و روستایی» و به طور کلی در بهگشت فضاهای زیستی و توسعه پایدار (Sustain-able Development) گام برداشت. جغرافیای کاربردی (Applied Geography) چه در دوران بهره‌کشی و استعمار و چه در شرایط کنونی با نگرش برنامه‌ریزی مورد توجه بوده است. آنچه بیشتر مورد توجه بوده، این است که هر دوره از تاریخ جغرافیای کاربردی، تحت تأثیر مکاتب و دیدگاه‌های فلسفی خاصی بوده‌اند.

جغرافیای کاربردی (Applied Geography) چه در دوران بهره‌کشی و استعمار و چه در شرایط کنونی با نگرش برنامه‌ریزی مورد توجه بوده است. آنچه بیشتر مورد توجه بوده، این است که هر دوره از تاریخ جغرافیای کاربردی، تحت تأثیر مکاتب و دیدگاه‌های فلسفی خاصی بوده‌اند

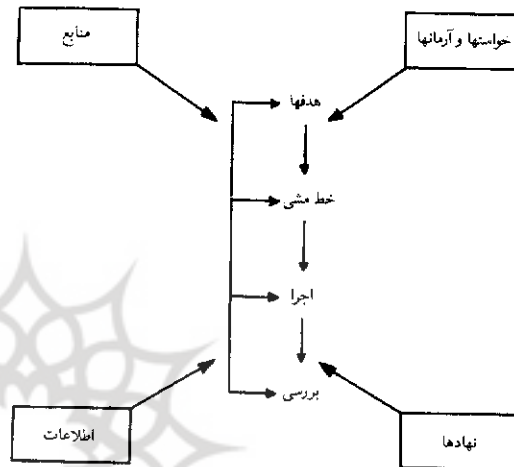
از جمله پیشگامان جغرافیای کاربردی سرهلفرد مکیندر (Halford Mackinder) است. اندیشه‌های مکیندر در تصمیم‌گیری‌های سیاسی حکومت انگلستان بسیار اعتبار داشته است. ادموند گیلبرت، (Edmund W. Gilbert) هموطن او با مطالعه آثار و سخنرانی‌هایش نظریات مکیندر را تحت عنوان هفت سنگ جغرافیا طبقه‌بندی کرد. دکتر شکویی این هفت سنگ را هفت لامپ جغرافیا می‌داند، هفت سنگ یا لامپ مکیندر عبارتند از:

«تاجیه»، «وطن و کشورهای مشترک‌المنافع»، «جغرافیای جهان»، «وحدت جغرافیا»، «نقشه»، «جغرافیای کاربردی» و «فلسفه جغرافیا».

از دیگر متفکران جغرافیای کاربردی، آندرو جان هربرتسن (Andrew John Herbertson) است. دیدگاه‌های هربرتسن بیشتر در رابطه با جغرافیای کاربردی طبیعی بود. پتر کروپوتکین (Peter Kropotkin) شاهزاده روسی از دیگر پیشگامان جغرافیای کاربردی است، نگرش‌های او بیشتر در رابطه با عدم تعادل‌های نواحی بود.

فصل دوم به تعاریف، مفاهیم و روش‌های جغرافیای کاربردی اختصاص دارد. در این فصل موضوعاتی چون گرایش‌های علم جغرافیا، تعاریف‌ها، قلمرو، موضوعات و روش کار جغرافیای کاربردی مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد.

«در تاریخ علم جغرافیا شاید برای اولین بار جان اسکات کلتی (J.S. Keltie) (۱۸۴۰ - ۱۹۲۷) جغرافیادان انگلیسی عنوان جغرافیای کاربردی را به کار گرفت؛ دادلی استمپ (D. L. Stamp) وظیفه جغرافیای کاربردی را حل‌پاره‌ای از مسائل بزرگ جهان از جمله فشار روزافزون جمعیت در فضای زندگی، توسعه نواحی توسعه نیافته و بهبود شرایط زندگی جوامع انسانی می‌داند.» در جغرافیای کاربردی بیش از سایر گرایش‌های جغرافیا به عدالت اجتماعی تأکید می‌شود، این نشان می‌دهد که جغرافیای کاربردی به طور جدی به توسعه پایدار نواحی اعتقاد دارد. «در جهت‌گیری جغرافیای کاربردی، فرآیند تصمیم‌گیری، رو به آینده دارد، یعنی همان مسیری که در برنامه‌ریزی جهت‌گیری می‌شود، در حالی که در جغرافیای محض به دیروز و امروز بیشتر توجه می‌شود. اما جغرافیای کاربردی نظیر برنامه‌ریزی عمل

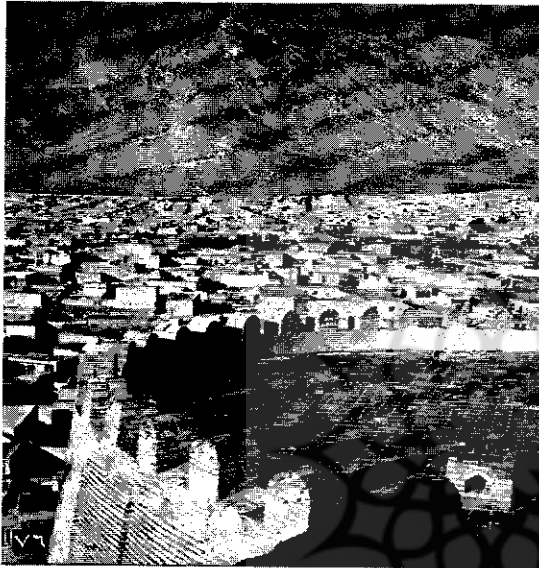


روند و عوامل مهم در سیاست آفرینی از: مرگان سنت

توسط جغرافیادانان در امور فوق ابتدا در اروپا بوده است. «از تاریخچه جغرافیای کاربردی چنین برمی‌آید که این بخش از جغرافیا، در همه رویدادها، حوادث تاریخی، سیاست عمومی کشورها، خط‌مشی‌های سیاسی - اقتصادی و بالاخره در فضای فکری رهبران کشورها نقش اساسی داشته است. چنانچه تفکرات جغرافیایی آندرو جان هربرتسن (Andrew John Herbertson) در افکار لرد کرزن وزیر امور خارجه معروف انگلیس و نایب‌السلطنه هند و سایر بلندپایگان انگلیسی، عقاید جغرافیایی کارل هاوس هوفر (Karl Haushofer) در اندیشه‌های رایش سوم و شخص هیتلر، نظریات الیزه رکلو (Elise Reclus) (۱۸۳۰ - ۱۹۰۵) استاد جغرافیای دانشگاه‌های فرانسه و از بزرگان مکتب آنارشیزم در ادراکات محیطی استالین و مائو و بالاخره استخدام عده‌ای از برجسته‌ترین جغرافیادانان دنیا، در سازمان‌های جاسوسی کشورهای بزرگ، نمونه‌های روشنی بر این گفته است. از این رو، جغرافیای کاربردی در همه محافل علمی و سیاسی جهان، همواره از حرمت و اعتبار خاصی برخوردار بوده است.» بایستی توجه داشت که در همه زمان‌ها جغرافیای کاربردی تحت تأثیر مکتب‌های فلسفی و اجتماعی چون پراگماتیسم، پوزیتیویسم، رئالیسم، رادیکالیسم، اگزیستانسیالیسم و کارکردگرایی بوده است.

از نگاه دکتر شکویی جغرافیای کاربردی دانشی میان رشته‌ای است و متفکران این دانش به طور جدی بر مکتب‌های جغرافیایی تأکید دارند، چرا که جغرافیای کاربردی، جغرافیای اندیشه‌ها، فکرها و ایدئولوژی‌های زمان ماست و شناخت این اندیشه‌ها اولین گام در جغرافیای کاربردی است

منظره‌های از شهر یزد



می‌کند، یعنی دیروز، امروز و فردا به هم پیوند می‌دهد؛ تا آینده دلخواه و مطلوب مورد نظر را بنا کند». سپس می‌توان نتیجه گرفت، جغرافیای کاربردی عیناً نظیر برنامه‌ریزی عمل می‌کند چنان که مسأله انرژی در سال‌های آینده، آینده شهرنشینی، تعادل‌سازی پراکندگی جمعیت در سال‌های آینده، آمایش سرزمین، آینده محیط‌زیست و... همراهی جغرافیای کاربردی را با برنامه‌ریزی معلوم می‌دارد.

استاد معتقد است که تدریس، آموزش و به کارگیری جغرافیا و برنامه‌ریزی با هم نتایج مطلوب‌تری در پی دارد و در نهایت به طور کلی از مباحث نتیجه می‌گیرد:

۱- امروزه بیشتر مسائل بشری، ابعاد جغرافیایی دارند، همچنین این مسائل پیچیده راه‌حل‌های میان رشته‌ای و پیچیده‌ای نیاز دارند و از این رو جغرافیای کاربردی حالتی میان رشته‌ای دارد.

۲- تأکید و محور اصلی جغرافیای کاربردی همواره بر کلی‌نگری و جامع‌نگری است.

۳- جغرافیای کاربردی با اخذ تجربیات جغرافیای محض از گذشته و حال موضع‌گیری آگاهانه در برابر آینده دارد.

۴- جغرافیای کاربردی نوعی تصمیم‌گیری در انتخاب استراتژی‌هاست که در رسیدن به توسعه پایدار تلاش دارد.

۵- در جغرافیای کاربردی بیش از همه از امکانات سنتش از دور، عکس‌های هوایی، کامپیوتر و نرم‌افزارهای جغرافیایی، GIS (سیستم اطلاعات جغرافیایی)، نقشه و کارتوگرافی استفاده می‌شود.

۶- ضعف اصلی جغرافیا در جهان سوم از نظر کاربرد ناشی از عدم زمینه مساعد در ارزیابی ابعاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و دور بودن جغرافیادانان از تصمیم‌گیری‌های دولتی و سازمان‌های اداری است.

۷- در جغرافیای کاربردی اگر هم محقق جغرافیا، غیرسیاسی باشد، به هنگام تحقیق در موضوعات جغرافیای کاربردی نمی‌تواند از سیاست گذشته، حال و آینده به دور باشد. فصل سوم به بررسی نظریه «پخش» در جغرافیای کاربردی می‌پردازد.

تئوری «پخش» در سال ۱۹۵۳ به وسیله تورستن

هاگراسترنند (Toresten hogestrand) جغرافیادان سوئدی در زمینه گسترش نوآوری‌ها و پدیده‌های کشاورزی به کار گرفته شد. «هم‌اکنون تئوری پخش در بسیاری از برنامه‌ریزی‌ها مورد توجه است و در جغرافیای کاربردی یکی از مراحل مهم در روند تحلیل فضای جغرافیایی شناخته می‌شود» بسیاری از جغرافیادانان به هنگام شناخت سازمان و نظام فضای جغرافیایی، روی حوزه‌های کانون برخورد فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی، همچنین حوزه‌های پیرامونی و میزان ارتباط و پیوستگی با یک سیستم تأکید می‌کنند. در همان حال اثرات متقابل عناصر سیستم را در کل سیستم مورد توجه قرار می‌دهند. همه سیستم‌ها دارای کانون برخورد و یا مراکز اصلی فعالیت می‌باشند. در جغرافیای کاربردی به هنگام به کارگیری سیستم‌ها نقاط ویژه‌ای، دارای نقش یا کارکرد کانونی می‌باشند، در اکثر کشورها، اغلب شهرهای بزرگ با ازایه نقش کانونی، سیستم شهرهای ناحیه را به وجود می‌آورند. این قبیل شهرها از جهات تجاری، مالی، فرهنگی، فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی و پخش اطلاعات، بخش‌های وسیعی از یک کشور را تحت پوشش خود درمی‌آورند.

جغرافیای کاربردی خاستگاه پدیده‌ها را مورد بررسی عمیق قرار می‌دهد، تا با مسیریابی آنها از علل پیدایش و نحوه گسترش

ابتدای جغرافیای کاربردی در خدمت گسترش استعمار و ایده‌های بهره‌کشی استعماری بوده است و شروع به خدمت‌گیری جغرافیای کاربردی توسط جغرافیادانان در امور فوق ابتدا در اروپا بوده است

آنها آگاهی یابد. در این کتاب چهار نمونه از پخش‌های جغرافیایی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند که عبارتند از: پخش جغرافیایی مرض وبا؛ پخش جغرافیایی جنگ‌های ویتنام و کوبا؛ پخش جغرافیایی گتوهای سیاهان آمریکا؛ پخش جغرافیایی موزیک راک اندرول (Rock and Roll)

فصل چهارم به جغرافیای کاربردی، نگرش سیستمی و امر توسعه اختصاص دارد. از منظر جغرافیای کاربردی توسعه فقط محدود به مفاهیم رشد مانند: افزایش تولید ناخالص ملی، صنعتی شدن و مدرنیزاسیون نیست، بلکه آنچه توسعه خوانده می‌شود که تخریب محیطزیست را در پی نداشته باشد، از آثارش همه جا و همه کس بهره‌گیرند، عدم تعادل فضایی - اجتماعی را در پی نداشته باشد و در نهایت به ارزش‌های فرهنگی توجه داشته باشد.

به عبارت دیگر توسعه جغرافیایی همخوانی و همپوشانی بیشتری با توسعه پایدار دارد، الگو واره‌ای که اکنون به طور جدی مورد توجه همگان است. در این کتاب گفته می‌شود توسعه با نگرش سیستمی، مفهومی جغرافیایی دارد. «در جغرافیای کاربردی، تحلیل سیستمی به عنوان موتور تحقیقات، تحلیل‌های سیستم‌های طبیعی و انسانی و تحلیل موضوعات جغرافیایی است» براین بوی (Brian Berry) اولین جغرافیادانی است که تئوری سیستم‌ها را در مطالعات شهری به کار گرفته است. همچنین بایستی اشاره شود که استفاده از تحلیل سیستمی در جغرافیای انسانی کاربردی به دهه ۱۹۶۰ برمی‌گردد و در این راه پیتر هاگت (Peter Huggett) پیشگام تحلیل سیستمی در جغرافیا بوده است. دیوید هاروی در کتاب تبیین در جغرافیا در سال ۱۹۶۹ درباره تحلیل سیستمی در جغرافیا می‌نویسد «اگر ما مفهوم سیستم را در جغرافیا رها کنیم یکی از نیرومندترین روش‌هایی را که قادر است به مسائل دنیای پیچیده اطراف ما پاسخ قانع‌کننده‌ای بدهد، از دست داده‌ایم».

فصل پنجم به جغرافیای کاربردی و مکتب‌های جغرافیایی اختصاص یافته است. در این فصل از کتاب به مکتب‌هایی چون پوزیتیویسم منطقی (Logical Positivism)، پراگماتیسم و کارکردگرایی پرداخته شده است. «اندیشه‌های فلسفی در ایجاد مکتب‌های جغرافیایی تأثیرات بسیار داشته‌اند. چنین به نظر



منظره‌ای از ماسوئه، میلان

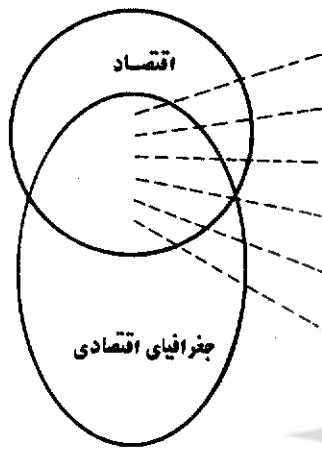
می‌رسد که اندیشه‌های فلسفی در جغرافیای کاربردی بیش از جغرافیای محض مؤثر بوده‌اند، چرا که مکتب‌های فلسفی، تغییرهای تازه‌ای برای زندگی یافته‌اند، چون جغرافیای کاربردی، با مسائل حقیقی، عملی و سودمند زندگی درگیر است. از این رو جغرافیای کاربردی دارای اهمیت فلسفی است و بار فلسفی سنگینی به دوش می‌کشد».

آنچه که جغرافیادانان مکتب پوزیتیویسم از جمله دیوید هاروی و کی. اف. شایفر (K.F. Schaefer) معتبر می‌شناسند و روی آنها تأکید دارند، عبارتند از:

- ۱- به مشاهده عینی اهمیت داده می‌شود.
- ۲- بر مطالعه فلسفه علوم و روش‌شناسی تأکید می‌گردد.
- ۳- به منطق ریاضی در جغرافیا ارجح می‌دهند.
- ۴- افکار خیالی را در جغرافیا کنار می‌گذارند.
- ۵- به پیوستگی و ارتباط نظریه‌های گذشته، حال و آینده تأکید می‌کنند.

به اعتقاد دکتر شکویی کارهای اولیه جغرافیای انسانی پوزیتیویستی بیش از همه از پنج نظریه متأثر بوده است، که

در جغرافیای کاربردی بیش از سایر گرایش‌های جغرافیا به عدالت اجتماعی تأکید می‌شود، این نشان می‌دهد که جغرافیای کاربردی به طور جدی به توسعه پایدار نواحی اعتقاد دارد



جغرافیای اقتصادی کاربردی

- ۱- اقتصاد تجارت جهانی
- ۲- اقتصاد توسعه
- ۳- اقتصاد ناحیه‌یی
- ۴- علوم ناحیه‌یی
- ۵- تحلیل مکانی
- ۶- جغرافیای اقتصادی نظریه‌ای

عبارتند از:

- ۱- نظریه مکان مرکزی؛ والتر کریستالر جغرافیادان و اگوست لوش (August Losch) اقتصاددان
- ۲- نظریه استفاده از زمین؛ فون تونن (Von Thunen)
- ۳- مکان‌یابی صنایع؛ آلفرد وِبر (Alfred Weber) و ادگار هور (Edgar Hoover) اقتصاددانان آلمانی
- ۴- حوزه‌های اجتماعی در داخل شهرها، که تحت تأثیر نظریه تنازع بقاء داروین است.
- ۵- نظریه تأثیر متقابل فضای زندگی که متأثر از نظریه قوه جاذبه نیوتن است.

بعد از بررسی مکتب پوزیتیویسم، بررسی مکتب پراگماتیسم در جغرافیا مورد توجه قرار گرفته است، پراگماتیسم مکتب اصالت عمل است، بنیان‌گذار این مکتب ویلیام جمسز (W. James) است.

جغرافیادانان پیرو مکتب پراگماتیسم در جست و جوی یک دنیای واقعی تلاش می‌کنند. همچنین تأکید بیشتر در این مکتب در جغرافیای انسانی است. پیروان این مکتب از جمله ویدال دولابلانچ معتقدند:

- ۱- فضای جغرافیایی در پرتو معرفت - دانش و خطا پدید آمده است.
- ۲- فضای جغرافیایی به موازات تغییر و تحول علم ما تغییرپذیر خواهد بود.
- ۳- فضای جغرافیایی در اثر حل علمی مسائل، ساخته شده و دوباره ساخته می‌شود.
- ۴- فضای جغرافیایی به مثابه تجلی‌گاه همه مراحل انسانی در طول زمان است.
- ۵- مطالعات جغرافیایی با مسائل عملی انسان در فضای زندگی سروکار دارد.

آخرین بحث کتاب به مکتب کارکردگرایی در جغرافیای کاربردی اختصاص دارد. از میان همه مکتب‌های فلسفی و اجتماعی، مکتب کارکردگرایی در ردیف معدود تفکرات فلسفی است که در تئوری، روش کار و مباحث فلسفی و تجربی علم جغرافیا را به طور جدی تحت تأثیر قرار داده است. «وحدت کارکردی یا پیوستگی کارکردی در یک ناحیه، با

خصیلت‌های ترکیبی عوامل طبیعی و انسانی در قالب یک کل مشخص می‌گردند، زیرا یک ناحیه یک ساخت پویا دارد که در آن، از نظر کارکردی، عناصر و عوامل به داخل یکدیگر می‌رسند و به صورت یک کل ظاهر می‌شوند. در حقیقت کارکردگرایی جغرافیایی به صورت چیزی است که در آن روابط پیچیده انسان و محیط او در مفهوم نظام کارکردی به تحلیل کشیده می‌شود.»

امید است که روزی جغرافیا در ایران نیز هر چه بیشتر کاربردی و عملی بشود تا هم شاهد پایداری محیط‌زیست و محیط جغرافیایی باشیم و هم از به هدر رفتن منابع طبیعی و انسانی جلوگیری به عمل آید.

پی نوشت:

- ۱- خاستگاه موزیک راک اند رول جنوب ایالات متحده آمریکا، میان گنوه‌های سیاه‌پوست است. این موسیقی، به عنوان اعتراض و ناله‌ای است بر علیه ارزش‌های اجتماعی رایج در آمریکا. خاستگاه اولیه این موسیقی آنجایی است که جدایی‌گزینی، انزواطلبی و افسردگی قومی و نژادی بیداد می‌کند.